



**بررسی شبهات  
پیرامون انتخابات  
و پاسخ به ادعاهای آقای موسوی**



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَهُ لَوْلَا رَحْمَتُ اللَّهِ عَلَيْنَا لَكُنَّا مِنَ الْخَاسِرِينَ



پژوهشی شبیهات پیرامون انتخابات  
و پاسخ به ادعاهای آقای موسوی



## مقدمه

بنابر آمار رسمی، در جریان راهپیمایی‌ها و اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری دهم هفت نفر کشته و دهها تن زخمی شده‌اند. حجم خسارت به اموال عمومی و خصوصی و همچنین هزینه سنگین سیاسی که این اجتماعات غیرقانونی، بر کشور ما و منافع ملی آن تحمیل کرده است، قابل احصا نیست. از آنجا که ریشه همه این حوادث بدون شک به ادعای رقیب اصلی و شکست خورده در این انتخابات در خصوص «تقلب گسترده» و «دستکاری در آراء» باز می‌گردد - که اتهامی بسیار سنگین است - این نوشتار بر آن است تا علاوه بر بررسی شبهات مطرح شده توسط نمایندگان ستاد کاندیداها، به مهمترین و اصلی‌ترین متنی که تاکنون توسط آقای میرحسین موسوی جهت شکایت از نتایج انتخابات نوشته شده مراجعه نموده و با بررسی و تحلیل محتوای این متن، به بررسی دلایل ارائه شده در آن بپردازد.

این نوشتار در ۲ بخش مجزا به این موضوع می‌پردازد. در بخش اول به ۷ موضوع که توسط ستادهای کاندیداهای شکست خورده به عنوان شبهات تقلب در انتخابات مطرح گردیده است پرداخته و پاسخ آنها بر اساس اصول علمی و اطلاعات اجرایی داده می‌شود. در بخش دوم به مهمترین و اصلی‌ترین متنی که تاکنون توسط جناب آقای میرحسین موسوی جهت شکایت از نتایج انتخابات خطاب به شورای نگهبان قانون اساسی نوشته شده است می‌پردازیم و با واکاوی سخنان وی دلایلی را در رد ادعاهای ایشان می‌آوریم.



## بخش اول :

### بررسی شبهات وارد شده به انتخابات و پاسخ به آن

۱- چرا در حالی که ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار رای دهنده وجود دارد ۵۸ میلیون تعرفه رای چاپ شده است؟

پاسخ : چاپ تعرفه‌های رای‌گیری با نظارت شورای نگهبان صورت می‌گیرد و در هر انتخابات به علت تسریع در عملکرد اجرایی و توزیع مناسب تعرفه‌های رای‌گیری در شعب شهری و روستایی سراسر کشور تعدادی تعرفه اضافه نیز چاپ می‌شود. سوی این موضوع افراد در حال سفر نیز جزء گروهی هستند که نمی‌توان آن‌ها را در آمارهای منطقه‌ای حساب کرد. آمار آراء شناور همواره در انتخابات‌ها یکی از موارد اجرایی بوده است و از این رو هیچگاه نمی‌توان هم‌تراز با تعداد واجدین شرایط - که آن‌هم به دلیلی که در بالا ذکر شد- تعرفه صادر کرد. نکته بعدی اینکه این موضوع تازگی ندارد و در تمام انتخابات‌های برگزار شده در کشور این اصل رعایت شده است. به جز این موارد؛ در سایر کشورهایی که سیستم انتخاباتی آن‌ها از مدل تعرفه‌ی کاغذی پیروی می‌کند، این یک امر اجرایی معمولی و عرف است که با توجه به گستردگی سرزمین، تعداد چاپ تعرفه از واجدین شرایط بیشتر خواهد بود.

۲- تعداد واجدین شرایط رای دادن کمتر از میزانی بوده که وزارت کشور اعلام کرده است؟

پاسخ : تعداد واجدین شرایط بر اساس محاسبات آماری بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران می‌باشد. به این مفهوم که سرشماری هر ۱۰ سال یک بار در ایران توسط مرکز آمار ایران انجام می‌گیرد و برپایه نتایج سرشماری و با برآوردهای سالانه از جمعیت کل کشور میزان واجدین شرایط با محاسبات آماری تخمین زده می‌شود که به واقعیت جامعه بسیار نزدیک است. قابل ذکر است که این روال در تمام انتخابات ملاک عمل بوده و کارشناسان و خبرگان آماری نیز شبهه‌ای بر این امر ندارند.

۳- چرا برای برخی از نمایندگان کاندیداها برای رفتن پای صندوق کارت صادر نشده است؟

پاسخ : تنها دلیل عدم صدور کارت برای نمایندگان کاندیداها برای حضور پای صندوق‌های رای عدم تکمیل مدارک آنها بوده است. برخی کاندیداها سعی دارند قصور و کوتاهی خود را به پای وزارت کشور بگذارند، چراکه مهلت تحویل مدارک نمایندگان جهت صدور کارت تا ۸۸/۳/۱۷ بوده لیکن وزارت کشور حسن نیت به خرج داده و حتی تا روز ۸۸/۳/۱۸ نیز مدارک نمایندگان کاندیداها را پذیرفته است. قابل ذکر است که در شهر تهران برای آقای موسوی به علت نقص مدرک و پایبندی به قانون، کارت تنها ۳۰۰ نماینده صادر نشده

که علت اصلی آن هم نقص مدارک بوده است، ولی برای کاندیدای پیروز انتخابات ۷۰۰ کارت به علت نقص مدرک صادر نشده است. به عبارت بهتر تعداد ناظران آقای موسوی چهل هزار و شصت و هفتاد و شش نفر بوده است. این در حالی است که تعداد نمایندگان آقای احمدی نژاد سی و سه هزار و پنجاه و هشت نفر میباشد. بنابراین تعداد نمایندگان کاندیدای معترض بیش از نمایندگان کاندیدای پیروز پای صندوق‌های رای بوده است. نکته قابل توجه دیگر این است که بر اساس تعداد کارت‌های صادر شده آقای موسوی در ۸۹ درصد صندوق‌های رای کل کشور نماینده داشته است. این در حالیست که احمدی نژاد در ۷۲ درصد، کروبی ۲۹٫۵ درصد و رضایی پای ۱۲ درصد صندوق‌ها نماینده داشته‌اند.

#### ۴- چرا برخی کاندیداها پیش از شمارش آرا اعلام پیروزی کردند؟

پاسخ: خوشبختانه چند سالی است نظرسنجی به عنوان یک رفتار علمی در ایران جا افتاده است. امروزه کارکردهای این موضوع برای عموم مردم آشکار شده است. نتایج نظرسنجی‌های معتبر و علمی برخی مراکز دولتی و خصوصی تا ۲۴ ساعت قبل از انتخابات حاکی از اختلاف شدید آرای کاندیدای پیروز انتخابات با کاندیدای معترض داشت که هم اکنون نیز این موضوع به خوبی آشکار گردید. علاوه بر نظرسنجی‌های موسسات داخلی، چندین موسسه خارجی از جمله Terror Free Tomorrow نتایج انتخابات را پیش بین کرده بودند و در روزنامه واشنگتن پست نیز این نتایج را منتشر نمودند.

ذکر این نکته ضروری است که اعلام پیروزی در انتخابات به عنوان یک ترفند جنگ روانی از سوی آقای موسوی و به سفارش سعید حجاریان در روز انتخابات به کار گرفته شد تا جایی که آقای موسوی ساعت ۱۰ صبح از پیروزی خود به صورت قاطع خبر داد!!! و اعلام کرد که اگر غیر از پیروزی او در انتخابات هر نتیجه دیگری حاصل شود حتما در انتخابات تقلب شده است. علاوه بر این سایت‌های قلم نیوز، کلمه و یاری ساعت ۲۰:۳۰ یعنی ۴ ساعت پیش از اعلام اولین اعلام رسمی از پیروزی قاطع ایشان خبر دادند و کار به جایی رسید که آقای خانمی ساعت ۲۱ همان شب؛ پیروزی آقای موسوی را از طریق همین سایت‌ها به وی تبریک گفت. پس با استدلال شخص آقای موسوی ایشان نیز متقلب بوده‌اند. ضمناً آقای موسوی فراموش نکرده‌اند که ساعت ۲۳ شب تاریخ ۸۸/۳/۲۲ در جمع خبرنگاران چه گفتند؟ وی گفته بود که اگر تقلب نشود پیروز انتخابات است و اعلام کرده بود که اگر نتیجه آن چیزی نشود که ایشان از قبل اعلام کرده‌اند؛ معنی‌اش تقلب گسترده در انتخابات خواهد بود. همان گونه که خانم عفت مرعشی (همسر آقای هاشمی رفسنجانی) این موضوع را هنگام انداختن رای خود در صندوق اعلام کرده بود.

#### ۵- چرا وزارت کشور تجمیع را به صورت رایانه‌ای انجام داد و به صورت آنلاین نتایج را اعلام می نمود؟

پاسخ: برای اولین بار در تاریخ انتخابات ایران و با توجه به پیشرفت علم روز و حرکت به سمت «دولت الکترونیک» که جزء سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه بود، تجمیع نتایج انتخابات ریاست جمهوری دهم رایانه‌ای انجام شد. به این مفهوم که شعب رای‌گیری نتایج خود را به صورت آنلاین و بدون اضافه‌شدن واسطه و کاملاً به‌صورت ماشینی برای ستاد انتخابات کشور ارسال نموده و در ستاد نیز این نتایج به صورت آنلاین روی سایت ستاد انتخابات کشور قرار می‌گرفت. نتایج بر اساس آرای شعب سراسر کشور و به صورت تجمیع شده در خروجی قرار می‌گرفت و ساعت ۳۰ دقیقه بامداد ۸۸/۳/۲۳ رئیس ستاد انتخابات کشور از تجمیع ۵ میلیون رای خبر داد. ضمن اینکه نتایج رایانه‌ای با نتایج حاصل از فرم ۲۲ (فرم شعبه‌ها) تطبیق داده می‌شد. سئوالی که از کاندیدای معترض می‌کنیم این است که چرا نمایندگان و ناظران شما ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه بامداد

۸۸/۳/۲۳ با شنیدن نتایج حاصل از تجمیع که خبر از شکست قاطع شما داشت محل ستاد را با ناامیدی و قبول شکست ترک کردند.  
البته بعد از مدتی که خبر شکست به قطعیت رسید و امیدی دیگر به پیروزی نبود شبهه عدم اعتماد به تجمیع رایانه‌ای مطرح شد؟

#### ۶- چرا در برخی شعبه‌ها تعرفه رای کم آمده بود؟

پاسخ : مشارکت بی سابقه ۸۵ درصدی مردم در سراسر کشور بی سابقه بود و برنامه‌ریزی برای توزیع تعداد تعرفه‌ها با دیگر دوره‌ها کاملاً متفاوت بود. شعبه‌ها موظف بودند که کمبود تعرفه خود را با تحویل آخرین دسته تعرفه رای به مسئولان ذیربط اعلام نمایند تا این کمبود جبران گردد. با توجه به تمهیدات صورت گرفته توسط ستاد انتخابات کشور هیچ شعبه‌ای به خاطر تمام شدن تعرفه؛ رای‌گیری را متوقف نکرده است و در اسرع وقت ممکن تعرفه مورد نیاز شعبه‌ها در اختیار آنها قرار گرفته است.

#### ۷- چرا از ساعت ۹ تا ۱۴ روز ۲۳ خرداد وزارت کشور آمار جدیدی ارائه نکرد؟

پاسخ : تجمیع نتایج انتخابات بر اساس ۲ فرم صورت می‌گیرد. فرم شماره ۲۲ که مخصوص شعب اخذ رای می‌باشد و فرم شماره ۲۸ که مخصوص فرمانداری‌ها می‌باشد. تا ساعت ۹ بامداد روز ۸۸/۳/۲۳ تجمیع به صورت آنلاین و بر اساس فرم شماره ۲۲ صورت گرفت. از ساعت ۹ تا ۱۳ روند اعلام نتایج بر اساس فرم ۲۲ متوقف گردید چراکه نتایج شهرستان‌های مختلف در قالب فرم ۲۸ به ستاد انتخابات کشور ارسال گردیده بود و تجمیع نتایج به جای شعبه به شعبه به صورت شهرستان به شهرستان صورت گرفت تا هم دقت کار بیشتر شود و هم سرعت تجمیع و در نتیجه جمع بندی نهایی زودتر صورت گیرد. در همین حین طرفداران آقای رضایی می‌گویند چطور شده است که در ساعت ۹:۴۷ دقیقه و با شمارش ۳۰۵۰۶۴۲۲ رای آقای وی ۶۳۳۰۴۸ رای بوده و در ساعت ۱۳:۵۳ دقیقه و با شمارش ۳۴۳۷۷۴۹۳ رای تعداد آقای ایشان ۵۸۷۹۱۳ رای بوده است. پاسخ این شبهه نیز با تشریح روش تجمیع داده می‌شود.

تا ساعت ۹ تجمیع بر اساس فرم ۲۲ صورت گرفت و در ساعت ۱۳ آمار بر اساس فرم شماره ۲۸ بوده است که نتیجه ساعت ۱۳ بر اساس فرم های شهرستان‌ها بوده است که ممکن است نتایج برخی صندوق‌ها در تجمیع شهرستان‌ها محاسبه نگردیده باشد. در نهایت آقای رضایی ۶۸۱۸۵۱ رای بوده است. اگر تعداد آقای نهایی آقای رضایی کمتر از ساعت ۹ بود این شبهه وارد بود، لیکن الان فقط ملاک شمارش تغییر یافته است و شبهه‌ای درباره این موضوع مطرح نمی‌باشد.

## بخش دوم :

# بررسی نامه موسوی به شورای نگهبان و پاسخ به آن

میرحسین موسوی نامه‌ای را در ۸ بند تنظیم نموده و آن را به عنوان مستندات خود درباره آنچه وی «تقلب گسترده در انتخابات» نامیده خطاب به شورای نگهبان نوشته است. در این بخش هر بند از نامه را آورده و در ذیل آن به پاسخگویی می‌پردازیم. (متن نامه آقای موسوی با فونت ایتالیک مشخص شده و پاسخ‌های ما با فونت بولد در زیر هر بند نامه مشخص شده است.)

شورای محترم نگهبان  
سلام علیکم

پیرو ده‌ها مکاتبه ستاد انتخاباتی اینجانب با آن شورا دایر بر تخلفات صریح انتخاباتی عوامل اجرایی وزارت کشور و نیز یکی از نامزدها که قطعاً در نتیجه انتخابات ۲۲ خرداد ماه مؤثر بوده است و ذیلاً به مواردی از آنها اشاره می‌شود، عدم صحت انتخابات محرز است و رسیدگی و ابطال آن درخواست می‌گردد:

۱ - در ایام تبلیغات خصوصاً در مناظره آقای احمدی نژاد، اتهامات بزرگی علیه بعضی از شخصیت‌های حقیقی از جمله آیت الله هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس خبرگان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز آقای ناطق نوری عضو محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس بازرسی ویژه مقام معظم رهبری، در رسانه ملی مطرح شد که بنا به اظهار صریح ریاست محترم قوه قضاییه و دادستان محترم کل کشور مصادیق روشن عمل مجرمانه بوده است. این اتهامات خوراک اصلی تبلیغات انتخاباتی آقای احمدی نژاد علیه سایر نامزدها، خصوصاً اینجانب قرار گرفت.

۱. آقای میرحسین موسوی در اولین بند نامه‌اش به شورای نگهبان - که قاعدتاً باید حاوی محکم‌ترین استدلال او مبنی بر وجود «تقلب گسترده» در انتخابات باشد - بر خلاف تصور خواننده اصلاً به موضوع «تقلب» در انتخابات اشاره نمی‌کند. ایشان در این بند به موضوعی اشاره می‌کند که هیچگونه ارتباط مستقیمی به موضوع «تقلب» ندارد. تاکید کردن بر محتوای مناظره‌های انتخاباتی در بند اول نامه موسوی از چند جهت بسیار معنادار و حتی برملا کننده است.

۱،۱: شاید منظور آقای موسوی این است که سخنان مطرح شده توسط محمود احمدی نژاد در مناظره‌ها علیه برخی شخصیتها و آقازاده‌ها، به تحریک و «اغفال» گسترده مردم منجر شد و باعث شد آنها هیجانی شده و فوج فوج به احمدی نژاد تمایل پیدا کنند. در این صورت که آقای موسوی پذیرفته است که رقیب ایشان رای بسیار بالایی در انتخابات آورده است. واقعا اگر مهندس موسوی قائل بوده است که مطالب عنوان شده در مناظره‌ها اینچنین تاثیر دگرگون کننده‌ای در نتیجه انتخابات داشته است چرا در همان روز پس از مناظره در اعتراض به طرح این مطالب از این رقابت «ناعادلانه» خارج نشد؟ چرا ایشان به حضور در این مناظره‌ها ادامه داد؟ و از همه مهمتر چرا ایشان علی‌رغم همه مطالب مطرح شده در مناظره‌ها، در آخرین ساعات روز انتخابات بطور قاطع خود را برنده این انتخابات اعلام کرد؟

۱،۲: اینکه اولین بند نامه آقای موسوی با ذکر نام به تجلیل و دفاع از «مظلومیت» آقای هاشمی رفسنجانی و آقای ناطق نوری در مناظره‌ها اختصاص می‌یابد، ناخواسته بازگوکننده ریشه‌ها و علت‌های اصلی راه اندازی راهپیمایی‌ها و اعتراضات در چند روز گذشته است. همان «جوشش آشفشانی» و «بن‌زین» و «دود و آتش» که قبلاً هشارش داده شده بود. واقعا چه نسبتی میان آن نامه آقای هاشمی و این نامه جناب موسوی وجود دارد؟ آیا میر حسین موسوی در بند اول نامه اش دارد اذعان می‌کند که اعتراض اصلی او و حامیان او در این اجتماعات و راهپیمایی‌ها به برده شدن اسم هاشمی و ناطق و فرزندان آنها در مناظره‌های انتخاباتی است؟ اگر نه چه لزومی داشته که این موضوع در سرلوحه نامه او قرار گیرد؟

۱،۳: فرض می‌کنیم که احمدی نژاد در اعلام اسامی اشخاص در مناظره‌ها و نسبت دادن تخلفات مالی به آنها مرتکب تخلف در تبلیغات انتخاباتی شده باشد. آیا این تخلف در تبلیغات به معنای «تقلب» در نتایج است؟ روشن است که افرادی که حقی از آنها ضایع شده می‌توانند خواستار پخش پاسخ خود از صدا و سیما باشند و یا حتی موضوع را بطور قانونی پیگیری کنند. اما حتی در این صورت نیز هیچ خللی بر نتیجه انتخابات وارد نیست. اینها دو موضوع جدا از هم هستند.

۲ - ایشان (احمدی نژاد) در مناظره‌های انتخاباتی اقدام به بیان مطالب خلاف امنیت ملی نمود که نتیجه آن زیر سؤال بردن بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی سلام الله علیه بود. به علاوه عمل ایشان در افشای بعضی از موضوعات محرمانه و سری با تلفیق موارد نادرست، از جمله متهم کردن دولت جمهوری اسلامی و وزارت کشور به سازماندهی اوباش برای حمله به جوانان و مردم و بریدن کراوات‌ها و تراشیدن موی سر جوانان اتهاماتی واهی است که در هیچ مرجع قضایی مورد رسیدگی قرار نگرفته و بدیهی است که عملی مجرمانه محسوب می‌شود.

#### پاسخ :

۲. در بند دوم نامه، باز انتظار ما برای بیان مستندات از «تقلب گسترده» توسط میرحسین موسوی به نتیجه نمی‌رسد. در این بند موسوی دوباره به مناظره‌ها رجوع کرده و طرح «مطالب خلاف امنیت ملی» و «زیر سوال بردن بنیانگذار جمهوری اسلامی» توسط احمدی نژاد را به عنوان دلیل وجود «تقلب گسترده» در انتخابات مطرح می‌کند. در این خصوص چند مطلب قابل بیان است:

۲،۱: آقای موسوی به عنوان یک نامزد هیچگونه مسئولیت قانونی در قبال تشخیص و مراقبت از «امنیت ملی» ندارند. طبعاً رییس جمهور به عنوان «رییس شورای عالی امنیت ملی» بیش از دیگران در این خصوص به اطلاعات دسترسی داشته و جهت مراقبت از امنیت ملی مسئولیت و اختیار قانونی دارد. در سالهای گذشته دیده ایم که چگونه اشخاصی امنیت و منافع شخصی خود را به «منافع و امنیت ملی» گره می‌زنند و خواستار سلب آزادی‌ها و حقوق مردم می‌شوند. آیا آقای موسوی هم می‌خواهد با چنین شیوه‌ای رای ۲۴ میلیون شهروند را باطل کند؟

۲،۲: ادعای «زیرسوال بردن بنیانگذار انقلاب اسلامی» نیز ادعای بسیار قابل توجهی است. ظاهراً آقای موسوی کلیه اقدامات دولت خود و دوستان خود در دهه شصت را عیناً مورد تأیید امام خمینی (ره) می‌داند. در سالهای گذشته دیده بودیم که برخی از متعصبین جناح راست حتی انتقاد به یک آبدارچی بنیاد مستضعفان را ضدیت با ولایت فقیه می‌دانستند چون معتقد بودند که رییس این بنیاد توسط رهبری منصوب می‌شود و آن آبدارچی

هم در سلسله مراتبی توسط آن رییس منصوب می شود پس آن آبدارچی منصوب ولی فقیه است و هرکس با آن آبدارچی مخالف باشد مخالف ولایت فقیه است! آیا عجیب نیست که شخصیت فرهیخته ای چون آقای موسوی به چنین استدلالی برای دفاع از تمامیت عملکرد خود در دهه شصت دست یازد؟ چرا ایشان انتقاد از مواردی چون گزینش های بسیار سخت گیرانه، ارباب ۹۹ نماینده مجلس مخالف دولت و یا حتی بخشنامه لباس منگی و قهوه‌ای- که آشکارا امروز غیرقابل دفاع هستند- را «زیر سوال بردن امام خمینی» می داند؟ بدیهی است که اینها اعمال دولت ایشان و یا دوستان و حامیان ایشان بوده است و نه اقدامات امام راحل (ره).

۲،۳: اگر استدلال آقای موسوی را بپذیریم، قاعدتا انتقادهای شدید و بی رحمانه ایشان و دیگر کاندیداها از عملکرد دولت نهم نیز «زیر سوال بردن ولایت فقیه کنونی» است. چون همانطور که اما راحل در دهه شصت بطور آشکار از دولت موسوی حمایت می کرد، رهبری فعلی نیز در سالهای گذشته از دولت نهم حمایت کرده است. آیا آقای موسوی می پذیرد که اعمال خودش در این انتخابات زیرسوال بردن ولایت فقیه بوده است؟

۲،۴: به فرض که آقای احمدی نژاد «مطالب خلاف امنیت ملی» در مناظره ها بیان کرده باشد و حتی امام راحل (ره) را زیر سوال برده باشد. آیا این دلیل بر وجود «تقلب گسترده» در انتخابات است؟ دوباره سوال می کنیم اگر اینقدر حرمتها و قداستها شکسته شده بود، اصلا چرا آقای موسوی حاضر شد در چنین انتخاباتی حاضر شود و حتی پیشاپیش خود را پیروز آن اعلام کند؟ نکند آقای موسوی بر این باور است که چون حرمتها شکسته شدن ومقدسات زیر سوال رفت رای آقای احمدی نژاد به ۲۴ میلیون رسید؟

۳ - کارشکنی‌های عدیده مسئولان وزارت کشور و بسیاری از فرمانداری‌ها، از جمله فرمانداری تهران در ارائه کارت‌های نمایندگان جناب حجت الاسلام والمسلمین کروبی و اینجانب منجر به عدم امکان حضور تعداد قابل توجهی از نمایندگان ما دو نفر در محل شعب اخذ رأی و محل‌های شمارش و جمع آرا گردید و نمایندگان نامزدها هیچگونه نظارتی بر انتخابات نداشته‌اند.

#### پاسخ:

۳. بالاخره در بند سوم نامه آقای موسوی به موضوعی اشاره می کنند که ارتباط به روز انتخابات دارد. در این بند ایشان از عدم صدور کارت برای تعدادی از ناظرین ایشان و آقای کروبی اعتراض می کند. در خصوص این بند نیز چند نکته گفتنی است:

۳،۱: در اینجا آقای موسوی به اصطلاح به نیمه خالی لیوان اشاره کرده اند. طبعاً وزرات کشور باید در این مورد پاسخگو باشد که چرا به تعداد درخواست شده کارت صادر نشده است. البته آنها نیز در پاسخ به مواردی همچون ناقص بودن مدارک ارسالی ناظرین اشاره کرده اند که نمی توانیم قضایای درباره ادعای طرفین داشته باشیم. اما سوال این است که چرا جناب موسوی که با قاطعیت هرچه تمام از «تقلب گسترده» در انتخابات سخن گفته اند به جای آنکه ابتدا لاقبل به یک گزارش مستند و دقیق از یکی از چند هزار ناظر خود بر سر صندوق ها اشاره کنند، مبنای اعتراض خود را بر یک موضوع «عدمی» قرار داده اند. قاعدتا اگر تقلبی به گستردگی ۱۰ میلیون رای در سطح کشور رخ می داد لاقبل دهها نفر از میان چند هزار ناظر آقای موسوی می بایست به شواهدی در این خصوص دست یافته باشند. چرا آقای موسوی بجای استناد به آنها به «عدم وجود ناظر» در برخی صندوقها اشاره می کند که حتی در فرض صحت هم نمی توان آنرا فی نفسه دلیلی بر وجود قطعی تقلب دانست. آیا آقای موسوی اخلاقا می تواند مدعی شود که هرجا ناظر من نبوده قطعاً تقلب شده است؟ ضمن اینکه بر اساس آمار اعلام شده توسط کمیته اطلاع‌رسانی ستاد انتخابات کشور بیشترین تعداد ناظران را در پای صندوق‌های رای

آقای موسوی داشته به نحوی که نمایندگان ایشان در ۸۹ درصد صندوق‌های اخذ رای حاضر و ناظر بوده‌اند.

۳،۲: قابل قبول است که آقای موسوی در مورد صندوقهایی که ناظر نداشته‌اند دارای شک و شبهه باشد. این شک کاملا معقول و منطقی است. اما راه حل برطرف شدن آن این است که ایشان خواستار بازشماری تعدادی از این صندوقها بصورت تصادفی شوند و نتایج آنها را با صندوقهایی در همان منطقه و شهر مقایسه کنند که در آنجا ناظر داشته‌اند و ببینند که آیا چنان تفاوت فاحشی وجود دارد یا خیر. قطعاً ایشان می‌دانند که برای آنکه ۱۰ میلیون رای جابجا شود بطور متوسط ۱۰ هزار صندوق می‌بایست کاملاً دارای آراء واژگون شده باشد. شناسایی و پیدا کردن این ۱۰ هزار صندوق اصلاً کار دشواری نیست. خصوصاً برای جناب آقای محتشمی رییس کمیته صیانت آقای موسوی که خود در زمینه تخلف انتخاباتی در مقام وزیر کشور دارای سوابق قابل توجه هستند. توضیح راجع به آقای محتشمی: در انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی، جناح حامی دولت مهندس موسوی با سوار شدن بر موج تبلیغاتی بر محور دوتایی «اسلام ناب - اسلام آمریکایی» که بطور کلی توسط حضرت امام (ره) بیان شده بود، جمع‌کنی از روحانیون با سابقه انقلاب را به داشتن «اسلام آمریکایی» متهم کردند تا بتوانند فهرست مجمع روحانیون مبارز تازه تاسیس را بجای فهرست جامعه روحانیت مبارز به مجلس بفرستند. در این انتخابات که آقای محتشمی - رییس کنونی کمیته صیانت آراء آقای موسوی - وزیر کشور و مجری انتخابات بود، گزارشهای فراوانی مبنی بر تخلف در صندوقهای رای وجود داشت. شورای نگهبان از تایید انتخابات خودداری کرد و به بازشماری برخی صندوقها پرداخت که در موارد زیادی تخلف مجریان محرز شد. دولت آقای موسوی با مراجعه به رهبر انقلاب خواستار مداخله ایشان در انتخابات و استفاده از حکم ولایی جهت تایید انتخابات شد. با توجه به «شرایط حساس کشور» در نهایت امام راحل (ره) با صدور حکمی خواستار پایان یافتن بازشماری آراء شده و پرونده رسیدگی قانونی شورای نگهبان به تخلفات انتخاباتی مختومه شد. بدنبال حکم حضرت امام (ره)، آیت الله صافی گلپایگانی دبیر وقت شورای نگهبان که امروز از مراجع تقلید هستند از مقام خود استعفا داده و به قم مراجعت نمودند. اینکه امروز آقای موسوی در اعتراض به نتیجه انتخابات به مراجعی چون آیت الله صافی نامه می‌نویسد اما پاسخی نمی‌شود، شاید چندان بی‌نکته نباشد.

۳،۳: این پرسش مهمی است که چرا آقای موسوی در این نامه بطور مشخص به هیچ حوزه‌ای که در آن «تقلب گسترده» صورت گرفته باشد اشاره نمی‌کند؟

۴ - برخلاف اعلام کتبی قبلی مبنی بر اینکه شمارش آراء و تجمیع آن دستی خواهد بود، ستاد انتخابات کشور در حالی که هنوز تعدادی از شعب در حال شمارش آراء مردم بودند اقدام به اعلام نتایج در حجم انبوه نمود. این در حالی بود که هنوز صورت جلسه‌های موسوم به فرم‌های ۲۲ و ۲۸ از هیات‌های اجرایی دریافت نشده و تنها ملاک ارائه آمار ارقام موجود در سیستم‌های رایانه‌ای بود که هیچگونه وجهات قانونی ندارد و موجب التهاب اجتماعی و نگرانی در جامعه براساس آمارهای فاقد مبنای قانونی می‌شود.

#### پاسخ:

۴. در بند چهارم آقای موسوی نسبت به استفاده از کامپیوتر و شیوه آنلاین در اعلام نتایج آراء هر صندوق به ستاد مرکزی انتخابات اعتراض می‌کند. این اعتراض البته در جای خود قابل بررسی است اما هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که به صرف اینکه نتایج هر صندوق در حضور همه اعضای هیات اجرایی و نظارت و ناظرین کاندیداها (در صورت حضور) وارد کامپیوتر شده و به طور آنلاین به ستاد انتخابات اعلام شده، پس در انتخابات «تقلب گسترده» صورت گرفته است. شاید این شیوه جدید و استفاده از فناوری نوین ابهاماتی داشته باشد، اما قطعاً صورت جلسه‌های همه صندوقها موجود است و بنا به اعلام وزارت کشور نیز قبل از اعلام نتیجه نهایی همه صورت جلسه‌های مکتوب با آمار اعلام شده کامپیوتری مجدداً تطبیق داده شده است. اگر هم شک و شبهه‌ای هست

قطعا با مراجعه به صورت جلسه ها قابل رفع است. پس چه حجتی داریم که اینگونه با قاطعیت بگوییم چون در اعلام نتایج از کامپیوتر استفاده شده حتما «تقلب گسترده» صورت گرفته است؟

۵ - صدها شعبه اخذ رأی در مناطق مختلف کشور از جمله شیراز، تبریز، تهران و... در ساعات قبل و بعد از ظهر دچار کمبود تعرفه اخذ رأی شدند و این امر موجب توقف چند ساعته رأی گیری در آنها گردید. با توجه به اینکه تعداد تعرفه‌های چاپ شده با فرض بالاترین تعداد متصوره شرکت‌کنندگان به گونه‌ای بوده است که بیش از ۱۷ میلیون تعرفه اضافی می‌توانست در اختیار وزارت کشور باشد تعلل شدیدی که در جریان توزیع تعرفه‌های انتخاباتی به چشم می‌خورد کاملاً ابهام برانگیز بود و نشان می‌داد که این تعلل و نیز اعلام توقف زمان رأی‌گیری، در حالی که هنوز تعداد قابل توجهی از مردم خواستار شرکت در انتخابات بودند از سر نگرانی نسبت به افزایش تعداد آرای مازاده از مرز ۱۰۰ درصد افراد واجد شرایط بوده است. طبیعی است که چنین اموری شائبه وقوع اقدامات غیرقانونی گسترده و وجود تعداد بی‌شمار آرای تقلبی در صندوق‌ها را تحکیم می‌کند.

#### پاسخ:

۵. در بند پنچ آقای موسوی به موضوع کمبود تعرفه اشاره کرده اند که به ادعای ایشان در برخی حوزه ها موجب توقف رأی گیری شده است. اولاً نفس کمبود تعرفه با توجه به مشارکت ۸۵ درصدی در انتخابات امر عجیبی نیست. ضمن اینکه بنا به اعلام وزارت کشور به هر شعبه اعلام شده بود که به محض اینکه استفاده از آخرین بسته صد برگی رأی را شروع کردند اعلام اتمام تعرفه کنند تا در این فاصله تعرفه های جدید برای آنها ارسال شود. لذا اعلام اتمام تعرفه به معنی تعطیلی رأی گیری نیست. آقای موسوی اشاره ای به هیچ صندوقی که در آن رأی گیری متوقف شده باشد نکرده اند اما بنا به اعلام ستاد انتخابات هیچ صندوقی به دلیل اتمام تعرفه رأی گیری را تعطیل نکرده است. اما باز اینجا فرض را بر صحت قول جناب موسوی می گذاریم که واقعا در برخی صندوقها تعرفه تمام و رأی گیری متوقف شده است. در اینجا چند پرسش پیش می آید:

۵،۱: آیا اتمام تعرفه در یک یا چند صندوق دلیل بر «تقلب گسترده» در انتخابات است؟ واقعا معلوم نیست تعریف آقای موسوی از تقلب چیست؟

۵،۲: چرا با آنکه آقای موسوی در مبارزه انتخاباتی اینهمه «احساس خطر» کرده بود و هشدار داده بود و با اینکه به زعم ایشان در مناظره ها «استوانه های نظام» مورد هتک حرمت قرا گرفته بودند و «مقدسات» زیر سوال رفته بود، چرا طرفداران ایشان آنقدر همت نداشتند که در ساعات آغازین رأی گیری برای مشارکت در این انتخابات حساس و جلوگیری از تداوم این «فاجعه» پای سر صندوقها حاضر شوند؟

۵،۳: آقای موسوی از کجا می دانند که همه آن افرادی که در حوزه های تعطیل شده موفق به دادن رأی نشدند طرفدار ایشان بوده اند؟ از کجا معلوم که بسیاری از آنها قصد نداشتند به آقای احمدی نژاد رأی دهند؟ در اینجا نیز استدلال آقای موسوی مبتنی بر یک مقوله عدمی و موهوم است. شبیه همان شعار غیبی است که اصلاح طلبان سالها می دادند و طی استدلالی غریب مدعی بودند که همه آنهايي که در انتخاباتها رأی نمی دهند در دلشان طرفدار اصلاح طلبان هستند!

۶ - علاوه بر موارد فوق تخلفات فراوان صورت گرفته در روز و زمان اخذ رأی طی بیش از ۸۰ مورد نامه خطاب به آقای کدخدایی سخنگوی محترم شورای نگهبان توسط رابط اینجانب به آن شورا تقدیم شده است.

## پاسخ :

۶. همانطور که در ارزیابی بندهای بالا مشاهده شد آقای موسوی هیچ استدلال محکم و قابل اعتنایی برای اثبات وجود «تقلب گسترده» در انتخابات ارائه نکرده اند. بجای چنین استدلالهایی، ایشان گاه به موارد بی ارتباط با روز انتخابات و روند شمارش آرا اشاره کرده اند، یا به مواردی که ممکن است بی ربط نباشد اما یا صرفا در حد شک و شبه است و یا در اصل اعتراض به مواردی غیر از «تقلب» است. از این رو عجیب است که در بند ششم نامه، ایشان می گوید که «علاوه بر موارد فوق» ۸۰ مورد تخلف دیگر نیز در روز انتخابات به شورای نگهبان اعلام شده است. در مورد این بند نیز چند نکته گفتنی است:

۶،۱: در اینجا ایشان ارجاع به مواردی می دهد که برای خواننده مبهم و مجهول است. واقعا پرسش اینجا است که چرا ایشان لاقلا چند مورد از این تخلفات را همچون موارد ذکر شده در بندهای بالا در متن نامه خود به شورای نگهبان ذکر نکرده است.

۶،۲: بر هر آشنای با الفبای سیاست و حتی هر عقل سلیمی کاملا واضح و روشن است که اگر جناب موسوی در میان این ۸۰ مورد حتی یک مورد را پیدا می کرد که بر ملا کننده تخلفی چشمگیر و افشاگر وجود «تقلب گسترده» در انتخابات می بود، قاعدتا می بایست آنرا در این نامه، که مهمترین متن و سند اعتراض او به این انتخابات است، مورد اشاره قرار می داد. نمی تون پذیرفت که ایشان مثلا ایثار کرده اند و یا برای حفظ مصالح مملکت از بیان برخی تخلفات خودداری کرده اند! امروز خون هفت انسان پای ادعای «تقلب» در انتخابات ریخته شده است. طبعاً آقای موسوی که تا اینجا جلو آمده نمی توانسته در نوشتن نامه اش ملاحظه مصلحت داشته باشد. نتیجه آنکه این ۸۰ مورد هم به احتمال به قریب یقین هیچ مورد قابل ملاحظه و تاثیر گذاری نبوده که بتوان بر آن تکیه کرد و نتایج انتخابات را زیر سوال برد.

۷ - آقای احمدی نژاد در وقت تبلیغات اضافی که سازمان صدا و سیما به صورت غیرقانونی به ایشان اهدا کرد وقوع اقدامات ضد امنیتی را پیش بینی کرد و به طور ضمنی موفقیت خود را مسلم دانست و رقبا را متهم به توطئه چینی نمود، که تمامی اینها حاکی از برنامه ریزی های پشت پرده برای دستکاری نتایج انتخابات است. به همین ترتیب تیتیر خبر پیروزی آقای احمدی نژاد در سایت رجانپوز، فارس و ایرنا که چند ساعت قبل از پایان اخذ رأی رویداد و نیز تعیین تیتیر روزنامه کیهان با همین عنوان طراحی قبلی اعلام چنین نتیجه ای را مشخص می سازد.

## پاسخ :

۷.۱: در بند هفتم مجدداً آقای موسوی برای اثبات وجود «تقلب گسترده» در انتخابات به یک موضوع پیش از انتخابات اشاره کرده است. از نظر ایشان اینکه آقای احمدی نژاد قبل از انتخابات از پیروزی خود سخن گفته «فی نفسه» دلیل روشن و آشکاری است بر وجود «قصد» دستکاری در آراء. آقای موسوی همچنین انعکاس پیشاپیش پیروزی احمدی نژاد در برخی رسانه ها را تاییدی بر این موضوع دانسته است. در این مورد نیز چند مطلب قابل ذکر است:

۷،۱: آقای احمدی نژاد تنها کاندیدایی نبودند که در روند تبلیغات انتخاباتی از پیروزی خود در انتخابات سخن گفتند. نه تنها ستاد آقای موسوی بطور مکرر از پیروزی چشمگیر ایشان خبر می داد بلکه شخص ایشان حتی قبل از شروع شمارش آرا با اطمینانی بی سابقه و منطقی شگفت اعلام کرد که پیروز قاطع انتخابات است و هر نتیجه ای غیر از این، به معنی دستکاری در انتخابات است! اگر استدلال بند هفتم ایشان درست باشد خود ایشان نیز متهم به «تقلب» هستند.

۷،۲: علاوه بر این سایت‌های قلم نیوز، کلمه و یاری ساعت ۲۰:۳۰ از پیروزی قاطع ایشان خبر دادند و کار به جایی رسید که آقای خاتمی ساعت ۲۱ شب پیروزی آقای موسوی را از طریق همین سایت‌ها به وی تبریک گفت. پس با استدلال شخص آقای موسوی ایشان نیز متقلب بوده‌اند. ضمناً آقای موسوی فراموش نکرده‌اند که ساعت ۲۳ شب تاریخ ۸۸/۳/۲۲ در جمع خبرنگاران چه گفتند؟ وی گفته بود که اگر تقلب نشود پیروز انتخابات است و در همان ساعت تقلب گسترده در انتخابات را پیشگویی کرده بود.

۷،۳: حتی اگر فرض کنیم که سخن آقای احمدی نژاد بیانگر «قصد» دست کاری در انتخابات بوده باشد. در چنین وضعی هر دانشجوی سال اول حقوق هم می داند که چنین «قصد» و یا «نیت مجرمانه ای» برای اثبات «وقوع جرم» - که در اینجا وجود «تقلب گسترده» در انتخابات است - کفایت نمی کند. در هر محکمه ای علاوه بر «نیت» می بایست «مستندات» کافی برای محکوم کردن متهم وجود داشته باشد. به نظر می رسد آقای موسوی چون در ارائه اسناد و مدارک کافی برای اثبات «تقلب» دستشان خالی است به «نیت خوانی» و «قضاوت داوودی» روی آورده اند.

۸ - نقص ماده ۴۰ قانون جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و مداخله نظامیان و بسیج در انتخابات و شرکت در میتینگ‌های تبلیغاتی آقای احمدی نژاد و استفاده گسترده از امکانات دولتی و نقض ماده ۶۸ قانون انتخابات از جمله تورگردی وزرا در استان‌ها و شهرستان‌ها (تا جایی که پس از سخنرانی معاون اول ریاست جمهوری در گیلان به ستاد اینجانب حمله شد) و حضور آقای وزیر خارجه در شهرهای مختلف ایلام، کرمانشاه، سمنان، گیلان و... در جلسات تبلیغاتی و استفاده آقای احمدی نژاد از هواپیمای اختصاصی دولت برای حضور در میتینگ‌های تبریز و ارومیه و اصفهان و... نمونه‌های دیگری از تخلفات از فصول مختلف قانون مذکور به ویژه فصل هفتم آن بوده است.

#### پاسخ:

۸، در بند هشتم آقای موسوی به «نقض ماده ۴۰ جرائم نیروهای مسلح» و «نقض ماده ۶۸ قانون انتخابات» اشاره کرده اند. در مورد اول منظور ایشان «حضور نیروهای نظامی و بسیج در انتخابات و در میتینگ‌ها است»، و در مورد دوم اشاره ایشان به استفاده رییس جمهور و وزرا از امکانات دولتی برای سفر به استانها در ایام تبلیغات انتخاباتی است. در این دو مورد نیز چند مطلب قابل ذکر است:

۸،۱: معلوم نیست منظور ایشان از «حضور» نیروهای نظامی در انتخابات چیست؟ روشن است که مطلق حضور در انتخابات برای نظامیان در قانون منع نشده است. اگر منظور ایشان حضور در ستادهای انتخاباتی و فعالیت به نفع یک کاندیدا باشد که این قطعاً ممنوع است. اما ایشان باید برای این ادعای خود سند و مدرک داشته باشند. ایکاش لااقل به یک مورد از زمانها و یا مکانهایی که چنین نیروهایی در انتخابات مداخله کرده اند اشاره می کردند.

۸،۲: با توجه به اینکه ستاد آقای موسوی از جمله ستادهایی بود که با به کارگیری یک سردار بازنشسته به تاسیس شاخه بسیجیان اقدام نمود و رسماً به عضو گیری از بسیجیان می پرداخت، اعتراض ایشان به حضور بسیجیان در میتینگهای رقیب کمی عجیب به نظر می رسد.

۸،۳: مجدداً فرض را بر آن می گذاریم که ادعای آقای موسوی در این بند نیز صحیح بوده و واقعاً حضور نظامیان در میتینگهای انتخاباتی آقای احمدی نژاد رخ داده باشد. اما آیا این مسئله دلیل بر وجود «تقلب

گسترده» در انتخابات می شود؟

۸،۴: حتی اگر نظامیانی در تبلیغات انتخابات حضور یافته باشند رسیدگی به جرائم آنها بر عهده دادگاه ویژه نیروهای مسلح است. این «جرم» حتی در صورت وقوع ربطی به وزارت کشور و دولت - که از نظر آقای موسوی متهم ردیف اول «تقلب گسترده» در انتخابات هستند - ندارد. شاید هم آقای موسوی بر این باور باشند که حضور چند هزار بسیجی در یک میتینگ انتخاباتی باعث دگرگونی ۱۰ میلیونی در نتیجه آرا شده باشد!

۸،۵: اشاره آقای موسوی به استفاده کردن دولتمردان از امکانات دولتی برای سفر به شهرستانها نیز از جنس بسیاری مواردی مورد اشاره بالا است. روشن است که در این موضوع اگر تخلفی از قانون صورت گرفته باشد باید به آن توسط مراجع قانونی رسیدگی شود. اما اولاً این اعتراض نیز مستلزم ارائه مستندات دقیق است و نه صرفاً کلی گویی. ثانیاً ربط این مورد نیز به وجود «تقلب گسترده» در نتایج انتخابات معلوم نیست. آیا چون رییس جمهور از هواپیمای دولتی برای سفر به فلان شهرستان استفاده کرده می توان نتیجه گرفت که ۱۰ میلیون رای جابجا شده است؟! ثالثاً روشن نیست که آیا منظور آقای موسوی این است که رییس جمهور قانونی کشور برای سفر به شهرستان یا رفتن به میتینگ انتخاباتی در ایام تبلیغات انتخاباتی باید از وسیله شخصی خود استفاده کند؟! آیا در انتخابات های گذشته رییس جمهور و وزرا برای تبلیغ به شهرستانها سفر نمی کردند؟ آیا آنها با وسیله و امکانات شخصی سفر می کردند؟

۷ - نظر به موارد فوق انتظار دارم درخواست اینجانب در مورد ابطال انتخابات ۲۲ خرداد ماه مورد رسیدگی و اقدام قرار گیرد.

میرحسین موسوی

پاسخ:

۹. در حالی که آقای موسوی در نامه خود به شورای نگهبان، همانطور که در بالا مشخص شد هیچ گونه استدلال محکمه پسندی مبتنی بر وجود «تقلب گسترده» در انتخابات ارائه نکرده است، ایشان در بند پایانی نامه بدون آنکه خواهان رسیدگی به موارد شک و شبهه خود شود، و یا آنکه مثلاً خواستار بازشماری آرا در صندوقها شود، و یا حتی خواهان تشکیل کمیته مستقل حقیقت یاب شود، درجا تقاضای ابطال کل نتایج انتخابات را مطرح کرده است. چنین رویکردی در نوع خود بی سابقه و از نظر نگارنده بر ملا کننده حقیقت نهفته در پشت این نامه و حرفهای ناگفته در لابلای سطرهای آن است. آن حقیقت این است که جناب موسوی و دوستان ایشان، همچنان همان رادیکالهای سیاسی و اقتصادی دهه شصت هستند. این دوستان در دهه شصت هرگز شعار دموکراسی و آزادی نمی دادند و بلکه حتی برای نیروهای انقلابی و منتقدانی چون نویسندگان روزنامه رسالت نیز قائل به آزادی نبودند. اگر در دورانی آنها به شعار دموکراسی و آزادی روی آوردند صرفاً از این رو بود که چنین شعاری از نظر سیاسی به نفع آنها بود. آنچه به عنوان مطبوعات مستقل و آزاد دوران دوم خرداد از آن یاد می شود، آیا چیزی بود جز مطبوعاتی که توسط عوامل و بستگان مقامات دولتی، با وامهای دولتی و کاغذ دولتی و آگهی های دولتی در راستای حمایت از دولت راه افتاده بودند؟ اگر درباره «دموکرات نمایی» این حضرات کوچکترین تردیدی داشتیم، با نوع برخورد آنها به نتایج این انتخابات و نقش آنها در برانگیختن حوادث پسا-انتخاباتی دیگر جای هیچ تردیدی باقی نمانده است. تن دادن به دموکراسی یعنی تن دادن به شکست در انتخابات. شکافها و تناقضهای متن آقای موسوی برملاکننده این واقعیت است که ایشان در سپیدی های نامه اش به رای بالای رقیب خود اذعان دارد اما از تن دادن به آن در سپاهی های نوشته اش خودداری می کند.

## کلام آخر

پا توجه به اینکه جابجا کردن ۱۰ میلیون رای بدون اطلاع و همکاری هیات های نظارت شورای نگهبان عملا غیرممکن است، بی شک کسانی که معتقد به وجود «تقلب گسترده» هستند باید نه تنها وزارت کشور بلکه شورای نگهبان را نیز در این واقعه «شریک جرم» بدانند. بدین ترتیب معترضان در واقع دارند «نظام» را به تقلب در انتخابات متهم می کنند. طبعاً برای هر جرمی باید انگیزه ای باید وجود داشته باشد. «نظام» نیز می باید برای چنین «تقلب گسترده ای» انگیزه بسیار بالایی داشته باشد.

اکنون پرسشی اینجا است که آن «نظامی» که هشت سال دوران آقای خاتمی را تحمل کرد و نه در انتخابات سال ۱۳۷۶ و نه در انتخابات سال ۱۳۸۰ چنین مداخله ایی نکرد و حتی انتخابات مجلس ششم را علی رغم عدم تایید از سوی شورای نگهبان و اعتراض شدید آقای هاشمی رفسنجانی با حکم ولایی مورد تایید قرار داد و حضور تندرو ترین عناصر دوم خرداد را در یکی از مهم ترین ارکان قانونی کشور به مدت چهار سال تحمل کرد، چرا می بایست اکنون در انتخابات اخیر ریاست جمهوری محتاج چنین «تقلب گسترده» ای باشد؟ مگر این نبود که همه کاندیداهای این انتخابات به صراحت از تبعیت از اصول انقلاب و خط امام (ره) و جایگاه ولایت فقیه سخن گفته بوده و حتی از همراهی و هماهنگی خود با رهبری جهت رفع مشکلات قانونی سخن گفته بودند؟ مگر این نبود که رابطه شخصی جناب موسوی با مقام معظم رهبری تا بدانجا نزدیک بود که برخی از حامیان آقای خاتمی همچون محمد علی ابطحی حتی آمدن موسوی به میدان را نتیجه یک هماهنگی و برنامه ریزی در سطوح بالا می دانستند؟ واقعا رییس جمهور چنین فردی چه خطری می توانست برای «نظام» داشته باشد که نیاز به چنین «تقلب گسترده» باشد؟ حتی اگر به فرص محال انجام چنین تقلب ۱۰ میلیونی را در عمل ممکن بدانیم عقلا و منطقاً نمی توان هیچ دلیل و انگیزه سیاسی برای آن یافت. و مگر نه آنکه سالهای سال اصلاح طلبان به مردم گفتند که اگر مشارکت در انتخابات بالای ۷۰ درصد باشد امکان هرگونه تقلب در آن سلب می شود؟ چه شده است که امروز آنها حرف سابق خود را پس گرفته اند؟

پس از انتخابات مجلس ششم زمانی که بحث تقلب در انتخابات مطرح گردید آقای تاجزاده که رییس ستاد انتخابات کشور بود گفته بود: «همه حرف من این است که باید به رأی مردم احترام گذاشت و این بزرگترین خیانت است که چون دوستان من به مجلس نرفته اند، اصل انتخابات را مخدوش اعلام کنم و رأی مردم را به هیچ بگیرم.»

تاجزاده همچنین تأکید کرد: «خداشه دار بودن انتخابات تهران و تقلب انتخاباتی در آن، هرگز پذیرفتنی نیست زیرا جفا به همه مردم است.»

آقای تاج زاده که امروز دم از تخلف در انتخابات توسط ستاد انتخابات کشور می زند پس از انتخابات مجلس ششم در مصاحبه خود در مشهد درباره امکان تقلب توسط ستاد انتخابات کشور گفته بود: «به بررسی اهم وظایف ستاد انتخابات کشور به نحو مختصر می پردازم تا معلوم شود که ستاد مذکور از لحاظ اجرایی اصولاً در امر انتخابات دخالت ندارد تا بتواند مرتکب تخلف یا جرم گردد. ستاد انتخابات کشور که با دستور وزیر کشور آغاز به کار می کند، نهادی است فاقد شخصیت حقوقی مستقل و تنها به طور موردی به عنوان یک ستاد به منظور هماهنگی و پشتیبانی ستادهای انتخابات استان ها و مراکز حوزه های انتخابیه فعالیت می کند و به هیچ ترتیبی واجد مسئولیت اجرایی یا نظارتی نیست.»

مگر نه اینکه آقای موسوی پس از انتخابات سال ۶۵ گفته بود جابجایی آرا و تقلب در انتخابات توسط دولت با حضور شورای نگهبان امکان پذیر نیست. پس امروز وی را چه شده است؟



بررسی شبهات انتخابات  
و پاسخ به ادعاهای  
آقای موسوی در این مورد